

نویسندگان تلاش کرده‌اند با استفاده از بینش نظری و تحلیلی «گیدنز» - کاستلزی» درباره تغییرات عصر جدید و اقتضائات جامعه اطلاعاتی و اتخاذ مطالعه‌ای اکتشافی، مسائل اجتماعی نوظهور در روابط نظارتی میان والدین و فرزندان را از نگاه کنشگران درگیر با موضوع شناسایی کنند. تکنیک پژوهش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بوده است. در این راستا، با ۱۲۰ نوجوان و ۲۰ نفر از مادران و پدران در شهر تهران براساس نمونه‌گیری هدفمند و تئوریک مصاحبه شده است. تحلیل توصیفی - تفسیری براساس فرآیند کدگذاری، الگویابی و سنخ‌یابی انجام شده است. محورهای کلی برخی از مهم‌ترین دستاوردها و نتایج مقاله عبارت‌اند از: ۱. سنخ‌شناسی محدودیت‌ها و قواعد نظارتی؛ ۲. سنخ‌شناسی نوجوانان براساس مواجهه با نظارت‌ها؛ ۳. مسائل مربوط به حریم شخصی و قدرت مهار نوجوانان؛ ۴. شکل‌گیری مسائل و استراتژی‌های جدید در خرید فناوری‌ها و ۵. ملاحظات و چالش‌های جدید والدین. در مجموع، به نظر می‌رسد که نوعی اخلاق خانواده - بنیان در زمینه مواجهه با فناوری‌ها در حال شکل گرفتن است؛ به طوری که به‌رغم پاره‌ای از مسائل و چالش‌ها، ایدئولوژی والد - فرزند سبب احیا و تداوم برخی حریم‌های اخلاقی و روابط نظارتی می‌شود. در این باره، پنج سنخ از خانواده شناسایی و معرفی شده‌اند.

■ واژگان کلیدی:

مسئله اجتماعی، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نظارت، والدین، فرزندان نوجوان.

واکای مسائل اجتماعی نوظهور در روابط نظارتی والدین و نوجوانان با توجه به فناوری‌های جدید

ایمان عرفان‌منش

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه تهران
iman.erfanmanesh@gmail.com

سهیلا صادقی فسایی

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
ssadeghi@ut.ac.ir

۱. طرح مسئله^۱

یکی از پیش فرض‌های مندرج در فلسفه علوم اجتماعی و نیز علم جامعه‌شناسی، ضمیمه انگاشتنِ خصیصه بالغ بودن (جسمی و عقلی) به مفهوم «فرد» است. به عبارت دیگر، فرد در اکثر نظریات جامعه‌شناسی بر بزرگسالی دلالت داشته است. بخشی از چالش جامعه‌شناسی در مطالعه و بررسی دوره کودکی (و بخشی از دوره نوجوانی) نیز ناشی از همین تصور بوده است. از این‌رو، عمدتاً پژوهش درباره این دو دوره از زندگی، عمدتاً ذیل مباحث «جامعه‌شناسی خانواده» مطرح می‌شدند. تا مدت‌ها، مسامحتاً یا غفلتاً این رویکرد غلبه داشت که کودکان و نوجوانان مشمول آن کنشگری و عاملیتی که نظریات درباره فرد و جامعه مطرح می‌کنند، نیستند. تغییرات فزاینده دنیای مدرن پس از جهانی کردن و گسترش روزافزون فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، باعث شده است که ناخواسته، چالش مذکور تا حدی تعدیل شود و شرایط (دست‌کم به‌طور بالقوه و در ساحت نظری) برای ظهور «فرزندان توانا و مطلع» تسریع شود. بنابراین، اکنون پذیرفته شده است که کنش، کنترل و نظارت در یک فضای اجتماعی، حاصل مشارکت، مقاومت یا تعامل همه کنشگران درگیر با آن فضا (اعم از بزرگسالان و کوچکسالان) است.

مواجهه خانواده با فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی تغییراتی را در نقش‌ها، تکالیف، حقوق، تصورات و انتظارات از نقش، نظارت و روابط والد - فرزندی به‌وجود آورده است. مهارت و توانایی فناوری‌ها فرزندان و والدین، به‌طور بالقوه، سهم‌شان را در کنشگری تغییر می‌دهد. در نتیجه، فرصت‌ها یا موانعی بر سر والدگری و فرزندی پدیدار می‌شود. تبدیل شدن فناوری‌های جدید فردمحور به نیاز و ضرورت، آنها را از حریم عمومی خانواده به حریم خصوصی کشانده است. پیوند اکثر وسایل هوشمند و اینترنت - محور به لوازم شخصی مسئله‌ای است که نظارت و کنترل والدین را پیچیده‌تر و حساس‌تر می‌کند. همچنین، نیاز تلقی شدن آن فناوری‌ها، سبب شکل‌گیری خواسته‌های جدیدی در فرزندان از والدین‌شان می‌شود. مسئله وابستگی به فناوری‌ها نیز نظارت و محدودیت‌های والدین را متنوع‌تر کرده است. بنابراین، شکل جدیدی از مناقشات میان آنها دور از انتظار نیست. استراتژی‌های رفتاری و مکانیزم‌های دفاعی متمایزی نیز در هر یک از طرفین آشکار خواهد شد.

همزمان با تشدید فرآیند اطلاعاتی شدن جامعه، سطوح مختلفی از نهادها و گروه‌های اجتماعی، دست‌خوش تغییراتی در کیفیت روابط و تعاملات میان کنشگران اجتماعی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری و مورد حمایت INSF است.

هستند. در این میان، روابط متقابل والدین و فرزندان در فرآیند جامعه‌پذیری تسهیل (یا تسریع) یا مختل شده یا تأثیری خنثی خواهد پذیرفت. فرزندان با منابع یا عوامل بدیلی مواجه‌اند که می‌توانند روابط متعددی از جمله رقابت، تضاد یا تکمیل‌کنندگی با یکدیگر داشته باشند. در دوره کنونی، خانواده با اینکه هنوز نقش مهمی در تعلیم و تربیت فرزندان ایفا می‌کند، اما نقش آن بیش از پیش جنبه مدیریتی پیدا کرده است. (محسنی، ۱۳۸۰: ۳۴) راهبردهای والدین ممکن است مستبدانه، مقتدرانه، آسان‌گیرانه یا سهل‌انگارانه باشد. (سعدی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۶۴) بسیاری از پژوهش‌ها در مورد والدینی که با اقتدار و اطمینان خاطر به اجتماعی کردن فرزندان‌شان می‌پردازند، معتقد به الگویی هستند که زین و آیتزن^۱ آن را الگوی «والدین قدرقدرت» نامیده‌اند. در این الگو، جریان از سوی والدین به طرف فرزندان برقرار است و والدین مایل‌اند، فرزندان خود را «طرفی خالی» در نظر بگیرند که در انتظار پُر شدن از طریق یادگیری اجتماعی هستند. بیشتر پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که والدگری مانند «خیابان دوطرفه» است؛ اگرچه والدین بی‌تردید بر فرزندان خود نفوذ دارند، اما فرزندان نیز بر والدین تأثیر می‌گذارند و قلمرو اقتدار آنها را تغییر می‌دهند. (زین و آیتزن، ۱۹۹۰: ۳۰۵) البته از نظر کاستلز^۲، یکی از تبعات عصر اطلاعات برای خانواده‌ها، کاسته شدن از کارکرد مراقبتی و حمایتی اعضای خانواده به‌ویژه والدین نسبت به فرزندان است. مشغله‌های کاری والدین و اشتغال مادران از دلایل مهم در این مسئله به‌شمار می‌روند. در نتیجه، فرزندان به‌نحوی شایسته در جامعه ادغام نمی‌شوند. (کاستلز و اینس، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۴)

به‌طور کلی، مک‌کوایل^۳ کارکرد جامعه‌پذیری رسانه‌ها را دارای دو جنبه می‌داند: از یک‌سو، رسانه‌ها سایر عوامل جامعه‌پذیری را حفظ و تقویت می‌کنند و از سوی دیگر، تهدیدی بالقوه برای مجموعه ارزش‌های مورد نظر والدین هستند. (مک‌کوایل، ۲۰۰۶: ۴۹۴) داتن^۴ نیز استدلال کرده است که ورود فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی می‌تواند به بروز تنش‌هایی در خانه منجر شود، زیرا والدین و فرزندان هر یک در تلاش‌اند تا آن وسایل را به‌نحوی تحت کنترل بگیرند. (داتن، ۱۳۸۴: ۱۰۹) یکی از فناوری‌های مهم برای نوجوانان، تلفن همراه هوشمند است. لینگ^۵ معتقد است نوجوانان به‌کمک تلفن

1. Zinn & Eitzen
2. Castells
3. Mcquail
4. Dutton
5. Ling

همراه سعی می‌کنند تا خود را از نظارت والدین رها سازند، اما همزمان، تلفن همراه این امکان را نیز به والدین می‌دهد که به «والدگری از راه دور» مبادرت نمایند. (لینگ، ۲۰۰۴) اینکه آیا خانواده می‌تواند نقش یا تأثیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی را مهار کند یا خیر، مستلزم توجه به این نکته است که چنین تأثیراتی بر والدین و فرزندان به یک اندازه و با درجه‌ای مشابه نیست. از نظر داتن، یکی از پیامدهای فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، «شکاف دیجیتالی» است. (نک: داتن، ۱۳۸۴: ۱۹) با استفاده فرزندان نوجوان از فناوری‌ها در خانه آنها به یک کارشناس تبدیل می‌شوند که والدین نیز نیازمند راهنمایی و نظرشان خواهند بود (کیسلر^۱ و دیگران، ۲۰۰۰) و حتی در فرآیند خرید آن وسایل نقشی اساسی ایفا می‌کنند. (واتن^۲، ۲۰۱۱)

عدم اطلاع کافی برخی از والدین نسبت به فناوری‌های ارتباطی جدید، سبب بروز مشکل در فرآیند نظارت بر فرزندان نیز می‌شود. (معمار و قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۹) والدینی که تحصیلات و مهارت‌های رایانه‌ای کمتری دارند، به احتمال بیشتری اینترنت را به‌منزله عاملی که آنها را از فرزندان‌شان جدا می‌کند، می‌انگارند. (هورست^۳، ۲۰۰۸) این فرآیند می‌تواند سلسله‌مراتب اجتماعی را تغییر دهد. (نود و آتما^۴، ۲۰۰۶) جردن^۵ از مفهوم «ماهیتاً ضد سلسله‌مراتبی» برای توصیف روابط در فضای مجازی سخن گفته است. (جردن، ۲۰۰۱) در تفسیری مشابه، کاستلز بر این باور است که نفوذ اینترنت شیوه‌های خودمختاری و استقلال را تقویت و پشتیبانی کرده است، زیرا اینترنت یک ابزار استقلال‌ساز به‌شمار می‌آید. (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۷۵-۲۷۴) فناوری‌های جدید منادی آزادی‌اند و توانایی مردم را افزایش می‌دهند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۸۵) بنابراین، «سرمایه اجتماعی» نوجوانان افزایش می‌یابد. (بست و کروگر^۶، ۲۰۰۶)

پژوهش سال ۲۰۱۶ متعلق به دانشگاه ناوارا در اسپانیا حاکی از رتبه ۱۷۷ شهر تهران در بین هوشمندترین شهرها بوده است. طبق شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران توسعه‌یافته‌ترین استان در ایران به حساب می‌آید.^۷ در سال ۱۳۹۲ در تهران، به‌طور متوسط هزینه‌های سالانه خانوار معمولی مربوط به دو بخش خدمات فناوری اطلاعات

1. Kiesler

2. Watne

3. Horst

4. Nood & Attema

5. Jordan

6. Best & Krueger

7. <http://www.mehrnews.com/news/3660628>

و ارتباطات (تلفن ثابت، تلفن همراه و اینترنت) و تجهیزات فناوری اطلاعات و ارتباطات (رایانه شخصی، لپ‌تاپ، تبلت، گوشی تلفن همراه و سایر وسایل) مجموعاً ۱۴.۱۱۷.۸۳۴ ریال برآورد شده است.^۱ شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در تهران تا نیمه سال ۱۳۹۵، ۷/۱۳ درصد بوده^۲ و بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به شرح زیر اعلام شده است که بر طبق آن، شاخص فرعی مهارت جایگاه بالاتری دارد. از منظر تحلیل جامعه‌شناختی، یکی از پیامدهای این موضوع می‌تواند اهمیت نقش آفرینی، توانایی و قدرت کاربران باشد.

جدول ۱: درصد زیرشاخص‌های توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲

شاخص	سال	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲
شاخص کل		۴/۰۵	۴/۲۸	۴/۵۷	۵/۰۳
شاخص فرعی دسترسی		۵/۴۶	۵/۹۳	۶/۲۴	۶/۵۲
شاخص فرعی استفاده		۱/۱	۱/۱	۱/۱	۲/۳۴
شاخص فرعی مهارت		۷/۱	۷/۲۶	۷/۴۱	۷/۴۱

(پایش جامعه اطلاعاتی ایران، ۱۳۹۳)

تا پایان سال ۱۳۹۵ در تهران، دسترسی به اینترنت در محل سکونت ۶۳/۷٪ و افراد استفاده‌کننده از اینترنت (بالای ۶ سال) ۵۶٪ بوده‌اند.^۳ اما در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴، آمار مربوط به دسترسی به رایانه و اینترنت در تهران به شرح زیر بوده است.

جدول ۲: دسترسی به رایانه و اینترنت برای خانواده‌های استان تهران در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴

سال	کل خانواده‌ها	دسترسی به رایانه		دسترسی به اینترنت	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۳۹۲	۳۹۸۵۴۱۵	۵۸/۶	۲۳۳۶۳۴۱	۵۱/۳	۲۰۴۵۴۶۳
۱۳۹۴	۴۲۱۱۲۲۹	۶۵/۱	۲۷۳۸۷۶۵	۶۳/۷	۲۶۸۳۹۷۲

(مرکز آمار ایران^۴ و پایش جامعه اطلاعاتی ایران، ۱۳۹۳)

1. <http://mis.ito.gov.ir/monitoring-information-society>
2. <http://mis.ito.gov.ir/web/guest/fava-development>
3. <http://mis.ito.gov.ir/web/guest/fava-development?p=tehran>
4. <https://amar.org.ir>

تا پایان سال ۱۳۹۵ در تهران، تعداد مشترکان ای.دی.اس.ال^۱ ۱.۸۹۳.۱۵۳، تعداد مشترکان وایمکس ۴۹۸.۱۲۹، تعداد مشترکان تری.جی^۲ ۵.۶۷۵.۶۹۱ و تعداد مشترکان فور.جی^۳ ۳۳۱.۵۸۰ مورد بوده‌اند. طبق گزارش‌های رسمی تا پایان سال ۱۳۹۵، ۷۴/۸٪ از مردم تهران دارای تلفن همراه بوده‌اند.^۴

در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که فناوری‌های نو به‌منزله نیروی آزادکننده جوانان، ابزاری برای پشت سر نهادن نفوذ محدودکننده والدین بر آنها و وسیله‌ای برای خلق اشکالی جدید و مستقل از ارتباط تلقی می‌شوند. از این منظر، فناوری سبب آفرینش نسلی می‌شود که گشوده‌تر، خلاق‌تر و نوآورتر از نسل والدین‌شان هستند. (باکینگهام^۵، ۲۰۰۸) پس، مطالعه چگونگی کیفیت و وضعیت روابط نظارتی و کنترلی میان والدین و نوجوانان در پی خانگی شدن فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی از منظر آنها مسئله کانونی مقاله را تشکیل می‌دهد.

۷۴

*** سؤال اساسی:** براساس نگرش اکتشافی پژوهشی، مهم‌ترین ابعاد مسائل اجتماعی جدید در روابط نظارتی والد - فرزند با توجه به فناوری‌های جدید از دیدگاه کنشگران درگیر با مسئله (روایت‌های والدین - فرزندان) کدام هستند و چگونه تفسیرپذیرند؟

*** هدف اصلی:** مسائل و چالش‌های والدین در زمینه روابط نظارتی با فرزندان‌شان با توجه به نقش و تأثیر فناوری‌های جدید (که اخیراً به‌عنوان یکی از موضوعات قابل تدقیق و پژوهش در عرصه مطالعات اجتماعی خانواده و جامعه‌شناسی خانواده تبدیل شده است)، در میان خانواده‌های ایرانی متنوع و متکثر است. نویسندگان در این پژوهش با استفاده از خصلت اکتشافی پژوهش‌های (کیفی) اجتماعی در تلاش‌اند تا مهم‌ترین ابعاد از مسائل نوظهور را از درون روایت‌های کنشگران (والدین و فرزندان) استخراج، صورت‌بندی، سنخ‌یابی و تحلیل نمایند. نوع و سطح تحلیل، توصیفی - تفسیری خواهد بود.

۲. پیشینه پژوهشی

بیات و شهابی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاربران جوان: از تداوم زندگی واقعی تا تجربه جهان‌وطنی» با بهره‌گیری از نظریه رضایت‌مندی

1. ADSL
2. 3G
3. 4G
4. <http://mis.ito.gov.ir/web/guest/fava-development?p=tehran>
5. Buckingham

و خشنودی در استفاده از اینترنت، انگیزه‌های اجتماعی و فردی جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله را تحلیل کرده‌اند. یکی از دلایل استفاده کاربران جوان از فضای مجازی (فعالیت در گروه‌های اجتماعی)، نیازهای انسجام‌بخش شخصی و اجتماعی معرفی شده که بر این اساس، کسب آزادی و استقلال نسبت به نظارت و قدرت والدین در مرکز توجه بوده است. همچنین، توانمند کردن عاملیت فردی از مهم‌ترین دلایل اجتماعی برای استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی معرفی شده است.

خلیلی‌آذر (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «شناخت ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی و اثرات آنها بر روابط بین فردی نوجوانان» به مفهوم فردگرایی شبکه‌ای پرداخته است. افراد همزمان با کسب استقلال، با اجتماعی مبتنی بر منافع مشترک پیوند می‌یابند. همچنین، قدرت نوجوانان به دلیل دسترسی به شبکه‌های اجتماعی که سلسله‌مراتب قدرت و نظارت درون خانواده‌ها را متحول می‌کند، افزایش یافته است. با کوچک‌تر شدن ابعاد خانواده‌ها، نقش و تأثیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به‌ویژه بر فرزندان نوجوان افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان مهارت فناوری را یکی از ذاتیات و ضروریات نوجوانان امروزی به حساب آورد. عبداللهیان و حسنی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تغییرات شبکه‌های اجتماعی و چالش‌های آن برای نظام خانواده در ایران» با روش نظریه مبنایی، به تحلیل مسئله حریم خصوصی پرداخته‌اند. گشودگی و باز بودن خانواده عامل اساسی در تأثیرپذیری معرفی شده است. بر این مبنای سه خانواده باز، بسته و انعطاف‌پذیر در مواجهه با حریم خصوصی با شبکه‌های اجتماعی شناسایی شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی هم تسهیل‌کننده و هم فراهم‌آورنده زمینه تغییرات در خانواده‌اند. مجموعه این تغییرات، بازتعریف و نه فروپاشی تعاملات و حریم نظام خانواده ایرانی را به دنبال داشته است.

چوی و رز^۱ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست و قدرت: تأثیر اینترنت بر نسل جوان‌تر در کره جنوبی»، با استعانت از رویکرد فوکویی به مقوله قدرت، تصریح کرده‌اند که به‌واسطه مهارت نسل جوان در استفاده از فناوری‌های جدید، سلسله‌مراتب قدرت نه‌تنها در خانواده و بلکه در جامعه تغییر کرده است. پیش از این، روابط قدرت مبتنی بر نظام احترام و اطاعت بود، اما اکنون، قدرت یافتن جوان و همالان او فرصت عمل کردن در جهان اجتماعی یا ساختن آن را فراهم آورده است. به‌علاوه، ترغیب فرزندان به استفاده از رایانه توسط والدین‌شان موضوع مهم دیگری است؛ والدین تمایل دارند نظارت و قدرت

تضعیف شده خود را باز گردانند. در مواردی که مهارت والدین کمتر باشد، این تلاش کمتر دست‌یافتنی خواهد بود. در نتیجه، فرزندان نوجوان تلاش می‌کنند تا در برابر اقتدار والدین ایستادگی کنند. آنها با جست‌وجوی بیشتر برای یافتن اطلاعات تلاش می‌کنند تا موقعیت جدید خود را در موضع قدرت حفظ کرده یا ارتقا دهند.

باکینگهام (۲۰۰۸) در کتابی با عنوان «جوان، هویت و رسانه‌های دیجیتالی» به تحلیل ابعاد گوناگون رابطه نوجوانان و جوانان با فضای مجازی پرداخته است. از نظر او، قدرت فردی در حال شکل‌گیری ناشی از رسانه‌های دیجیتال در مناسبات اجتماعی نوجوانان در محیط خانواده و عرصه عمومی تأثیرگذار بوده است. در این میان، اقتدار والدین در مواجهه با قدرت نوجوانان قرار گرفته و ساختار روابط قدرت در خانواده نیز تغییر کرده است. این تغییرات برای دختران آشکارتر بوده است. در مجموع، افزایش آزادی و قدرت انتخاب یکی از دستاوردهای رسانه‌های دیجیتالی برای نوجوانان است.

واتن و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «فرزندان به‌منزله عاملان جامعه‌پذیری ثانویه برای والدین‌شان»، استدلال کرده‌اند که نسل جدید به‌دلیل برخورداری از مهارت و دانش استفاده از فناوری‌های جدید، الگوی نوینی از جامعه‌پذیری در مسیر برعکس (از فرزندان به والدین) را به‌وجود آورده‌اند. آنها در پژوهش میدانی در ویکتوریا، استرالیا به این نتیجه رسیدند که فرزندان دارای قدرتی تخصصی (کارشناسی) هستند. شکل‌گیری این تصور در ذهن فرزندان که آنها در نگاه والدین مهم تلقی می‌شوند، آنان را به عاملانی فعال مبدل می‌سازد. به‌علاوه، فرزندان نوع وسایل الکترونیکی و فناوری‌های نوین مانند رایانه یا تلفن همراه را که قرار است والدین برای خود خریداری کنند، نیز انتخاب می‌کنند. * جمع‌بندی پیش‌بینی: با عنایت به پژوهش‌های پیشین، چنین به‌نظر می‌رسد که همزمان با ورود فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، وضعیت و کیفیت نظارت و قدرت والدین دست‌خوش تغییراتی (فرصت‌ها و چالش‌ها) می‌شود. پژوهش‌های انجام‌گرفته عمدتاً بر ظهور فرزندان گشوده‌تر، خلاق‌تر و توان‌تر دلالت دارند که سلسله‌مراتب خانواده را از شکل آمر - مأموری یا فراتری - فروتری به سمت روابطی دموکراتیک‌تر پیش برده‌اند. بنابراین، مطالعه و فهم ابعاد جدید نظارت والدین از منظر کنشگران درگیر با مسئله یکی از موضوعات جدید برای جامعه‌شناسی خانواده ایرانی است. این مقاله بر جنبه‌های اکتشافی مسئله نیز متمرکز خواهد شد.

۳. ملاحظات نظری و روشی

۳.۱. اصول و منطق پژوهشی

در هزاره سوم و پس از برخی مناقشه‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، پژوهش‌های (کیفی) علوم اجتماعی ضمن توجه به کلیت اصول و رویه‌های پیشین و مرسوم، خصایصی جدید را در فرآیند و چگونگی قلمرو پژوهشی و همچنین، صورت‌بندی و محتوای آن عرضه و دنبال کرده‌اند. این خصایص که نویسندگان نیز از آن متأثر بوده‌اند، به شرح زیر است (بنگرید به: عرفان‌منش، ۱۳۹۶):

۱. «استفاده اقتضایی از چند روش» به‌دلیل لایه لایه بودن یا در هم تنیده بودن و پیچیدگی ابعاد مختلف مسئله، کشف شدن ابعاد جدید برای پدیده پس از غور در میدان و به‌تناسب مواجهه با آن ابعاد در هر یک از مراحل پژوهش؛ ۲. «تحمیل نکردن نظریاتی متعین» در شناخت و تفسیر تمامیت موضوع تا پیش از حصول کامل نتایج؛ ۳. استراتژی «اکتشافی بودن پژوهش» و اولویت‌دهی به نتایج بازتاب‌یافته از موضوع؛ ۴. اتخاذ چشم‌انداز رفت و برگشتی میان جنبه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناسانه به‌دلیل «برهم کنش سطوح اجتماعی و فردی»؛ ۵. توجه به شکاف میان «فهم و تحلیل پیشینی» نسبت به زوایا و جزئیات موضوع با «توصیفات و نتایج پسینی» برآمده از میدان پژوهش؛ ۶. سر و کار داشتن با فرد نوعی^۱ و اهمیت رسیدن به «الگوها و سنخ‌یابی‌ها» از درون روایت‌های کنشگران و ۷. آگاهی پژوهشگر به تمایز میان «رویکرد نظری چارچوبی و محدود» با «بینش نظری گشوده و غیر تحمیلی».

۳.۲. بینش نظری و تحلیلی

این مقاله رویکرد گیدنز نسبت به فرصت‌ها و موانع کنش در عصر جدید؛ یعنی «دوگانگی‌های عصر جدید» و مضامین محتوایی رویکرد کاستلز نسبت به بازتاب تغییرات عصر اطلاعات در روابط خانواده؛ یعنی «شکندگی سلسله‌مراتب و اقتدار نهادینه‌شده» را برای فهم کلیت تغییرات، شایسته تدقیق و تمرکز می‌داند. گیدنز معتقد است هر گونه تفسیر یا توضیح مناسب برای عمل درباره تجدید باید سه وظیفه اساسی را انجام دهد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۴۷-۲۴۶):

۱. در سطحی بسیار کلی، عامل انسانی هرگز شرایط خارجی عمل را منفعلانه

نمی‌پذیرد، بلکه به‌طرزی کم و بیش مداوم، واکنش‌هایی نسبت به آنها نشان می‌دهد و حتی ساختارشان را کم و بیش تغییر می‌دهد؛

۲. در سطح جمعی و همچنین در سطح فردی، عرصه‌های انبوهی از امکانات اختصاصی گروهی وجود دارد که حاصل بازتابندگی فزاینده زندگی اجتماعی است؛

۳. این استنباط درست نیست که محیط خارجی اعمال و اقدامات کوچک شخصی یا گروهی قابل دست‌کاری و تغییرپذیر بوده اما نظام‌های بزرگ‌تر اجتماعی به‌هیچ وجه مهارشدنی نباشد.

گیدنز تصریح می‌کند که عوامل انسانی نسبت به محیط اجتماعی در موضع تملک یا تخصیص قرار می‌گیرند و آن محیط را توسط اعمال خود می‌سازند و بازسازی می‌کنند. از این طریق می‌توان به درک چپستی قدرت آدمیان نائل آمد. زندگی اجتماعی جدید در همان حال که عمل انفرادی را تضعیف می‌کند، تملک امکانات تازه را تسهیل می‌نماید. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۴۷) بر این اساس، گیدنز چند سردرگمی (دوراهی) و پارادوکس را از دنیای جدید نشان می‌دهد که دو مورد از آنها ارتباط بیشتری با بحث حاضر دارد: یکی، خلع‌ید در برابر تصاحب مجدد و دیگری، اقتدار در برابر زلزله. نخستین مورد اشاره به این دارد که انسان‌ها ناگزیرند تا خود را درگیر نوعی فرآیند دیالکتیکی مهارت‌زدایی و مهارت‌یابی مجدد نمایند. دومین مورد به این معناست که در شرایط کنونی، مراجع اقتدار گذشته که رفتار انسان‌ها را نظارت می‌کردند، تضعیف شده‌اند و تنها شکلی از میان شکل‌های اقتدار اجتماعی محسوب می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۲۷۵-۲۶۸)

جدول ۳: بینش نظری مستخرج از ایده گیدنزی

ملاحظات سه‌گانه تحلیل کنشگری	عدم انفعال کنشگر / استفاده از امکانات در خلق کنش / تغییرپذیری محیط بیرونی کنشگر
مکانیزم پویای کنشگری	فعال و خلاق بودن کنشگر در مواجهه با محیط اجتماعی
پارادوکس‌های کنشگری	دیالکتیک مهارت‌زدایی و مهارت‌یابی / اقتدار در برابر زلزله

از نظر کاستلز، فناوری واجد معنا و معنابخش است؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند کنش فرد را تحت تأثیر قرار دهد. (کاستلز، ج ۱، ۱۳۸۵) به‌عبارت دیگر علاوه بر ارتباطات اجتماعی، سایر ابعاد زندگی اجتماعی مانند ساختارها، نهادها، ارزش‌ها، الگوهای رفتار و کنش اجتماعی، زبان و احساسات تحت تأثیر قرار می‌گیرند. (کاستلز و دیگران، ۲۰۰۷) در نتیجه، توانایی

فرد در اداره و کنترل محیط را تقویت کرده‌اند. (کاستلز و اینس، ۱۳۸۴: ۱۹۹) در جامعه شبکه‌ای، فرآیند شکل‌گیری و اعمال روابط قدرت دچار دگرگونی می‌شود. (کاستلز، ۱۳۹۳: ۳۹) در عصر اطلاعات، قدرت در آن واحد پراکنده و منتشر است. (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۳۱) یکی از ویژگی‌های مهم این عصر، تمرکززدایی از منبع قدرت و در عوض، اهمیت یافتن نقش فرد است. افراد، نماینده زندگی و تصمیم‌گیری هستند و قدرت، ظرفیت اجرای تصمیم‌گیری را به آنها اعطا می‌کند. (کاستلز، ج ۳، ۱۳۸۵: ۴۳۰-۴۲۹)

تا پیش از تحولات فناوری‌های جدید در جامعه، نهادهای اجتماعی پیرامون سلسله‌مراتب عمودی بنا می‌شدند، اما امروزه شبکه‌های شخصی حول شبکه‌های اطلاعاتی مربوط به فناوری شکل می‌گیرند. (کاستلز و اینس، ۱۳۸۴: ۴۰) فناوری در تمامی روابط و ساختارهای اجتماعی منتشر شده و بدین ترتیب، در قدرت و تجربه نفوذ کرده و آنها را دگرگون ساخته است. (کاستلز، ج ۱، ۱۳۸۵: ۴۵) در طول تاریخ، ساختار خانواده عمدتاً پدرسالار بوده که وجه مشخصه آن عبارت از اقتدار نهادی شده مردان بر زنان و کودکان در خانواده بوده است. (کاستلز، ج ۲، ۱۳۸۵: ۱۷۵) در مقابل، خانواده مساوات‌طلب، ساختاری متأخر است، زیرا در جامعه جدید، مفهوم و معنای جنسیت به‌لحاظ اجتماعی در حال دگرگونی بوده و نوعی آزادی بیشتر برای دختران و زنان شکل گرفته است. (کاستلز و اینس، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۲) از این‌رو، جامعه شاهد بازنگری بنیادین در روابط میان زنان، مردان و کودکان و بنابراین، خانواده، جنسیت و شخصیت است. (کاستلز، ج ۱، ۱۳۸۵: ۲۹) نسل‌های جدید، فرآیند اجتماعی شدن را بیرون از الگوهای سنتی خانواده پدرسالار می‌گذرانند. لذا فرآیند نوین اجتماعی شدن تا حدودی هنجارهای نهادی خانواده پدرسالار را کم‌رنگ و نقش‌های درون خانواده را متنوع کرده (کاستلز، ج ۲، ۱۳۸۵: ۲۸۶) و الگوهای جدید جامعه‌پذیری در حال شکل گرفتن است. (کاستلز، ج ۳، ۱۳۸۵: ۴۳۱) کاستلز مدعی است حتی در شرق، به‌رغم حس قوی هویت جمعی و وابستگی سنتی و فرهنگی فرد به خانواده، جست‌وجو برای خویشتن نوین در جریان است. (کاستلز، ج ۱، ۱۳۸۵: ۵۰) فردی شدن روابط درون خانواده به تأکید بر اهمیت خواسته‌های شخصی در برابر قواعد نهادی انجامیده است. (کاستلز، ج ۲، ۱۳۸۵: ۲۸۶)

همچنین، کاستلز به خانه‌محور شدن تعداد قابل توجهی از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی اشاره کرده است (وبستر، ۱۳۹۰: ۲۰۵) او از اصطلاح «خانه الکترونیک» سخن می‌گوید که مبتنی بر دو رکن «مرکزیت خانه» و «فردگرایی» است. خانه الکترونیکی

جدید و وسایل ارتباطی قابل حمل امکان سازمان‌دهی زمان و مکان را برای هر یک از اعضای خانواده افزایش داده و در مجموع، این وسایل بر ساختار قدرت در خانواده تأثیر گذاشته‌اند. (کاستلز، ج ۱، ۱۳۸۵: ۴۲۸) از نظر کاستلز، ترکیب هویت‌یابی و فردگرایی در واقع منبع فرهنگ فردگرایی شبکه‌ای تلقی می‌شود که به‌عنوان الگوی جامعه‌پذیری در جامعه شبکه‌ای معرفی شده است. در عصر اینترنت، افراد جامعه‌پذیری خود را با استفاده از تعداد زیادی از شبکه‌های ارتباطی که در اختیار دارند، گسترش می‌دهند، اما به‌طور انتخابی جهان خود را بر حسب اولویت‌ها و طرح‌های خود دنبال می‌کنند. (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۵۹) اساساً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوران جدید، افزایش تحرک فردی است. (کاستلز، ج ۲، ۱۳۸۵: ۳۸)

جدول ۴: بینش نظری مستخرج از ایده کاستلزی

تغییرات شکلی و محتوایی ناشی از فناوری در جهان اجتماعی و فردی	جهان‌بینی فناورانه
تغییرات در سلسله‌مراتب عمودی خانواده (آمر و مأموری) و فرآیند جامعه‌پذیری / تجدیدنظر در اقتدار نهادینه‌شده و قواعد نهادی خانواده	تمرکززدایی از منبع قدرت
پیدایش نوعی فردگرایی زمینه‌دار در بستر فضای خانه	فرا - مفهوم خانه الکترونیک

نویسندگان از بینش نظری برای طراحی سؤالات مصاحبه بهره گرفتند و همچنین، پس از حصول یافته‌ها و نتایج، به کلیت رویکرد تحلیلی (گیدنز - کاستلزی) عنایت داشته‌اند.

۳.۳. ملاحظات روش‌شناختی

براساس مستندات مندرج در اطلس کلان‌شهر تهران^۱ در سال ۱۳۸۵ که به‌طور جامع به پایش و رصد ویژگی‌های گوناگون شهری در مناطق پایتخت پرداخته بود، این اطلاعات توسط پژوهشگر با آمارنامه شهر تهران^۲ در سال ۱۳۹۳ تطبیق داده شد و در مجموع، با در نظر گرفتن سطح کیفیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق شهری، از میان مناطق شهر تهران سه منطقه ۳، ۶ و ۱۱ انتخاب گردید. منطق نمونه‌گیری هدفمند، تیبیک، مبتنی بر ملاک، نظری و تدریجی بوده است و معیار «اشباع» برای بسندگی در جمع‌آوری داده‌ها لحاظ شده است.

پدران و مادران و همچنین، نوجوانان متولد اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ (یعنی

1. <http://atlas.tehran.ir>

2. <http://tmicto.tehran.ir/portals/0/document/amarname/amarshahr93/index.html>

بازه سنی ۱۸-۱۳ ساله) کنشگران درگیر با موضوع‌اند. مجموعاً با ۱۲۰ دانش‌آموز (۳۰ دختر و ۹۰ پسر) و ۲۰ نفر از مادران/پدران مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. (از مهر ۹۵ تا فروردین ۹۶) در مصاحبه‌ها، انواع سؤالات تجربی، احساسی، دانشی و آرمانی در طراحی پرسش‌های مصاحبه دخیل بودند. (پاتون^۱، ۱۹۹۰) تفاوت در تعداد دختران و پسران نیز تابع محدودیت‌های حراست آموزش و پرورش‌های مناطق بوده است. درباره تفکیک پاسخ‌های میان دختران با پسران نوجوان، مشخص شد که میان برخی پاسخ‌های آنها تفاوت‌هایی بسیار اندک وجود دارد.

عمومی‌ترین تکنیک و شیوه مرسوم برای نظم‌دهی به داده‌ها «کدگذاری» است. (نک: صادقی‌فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۷۸) این فرآیند که به معنای تبدیل داده‌های خام آشکار یا پنهان به اطلاعات در قالب مقوله‌هاست، مبتنی بر اصل مقایسه در جهت انکشاف شباهت‌ها (یا همگرایی‌ها) و تفاوت‌ها (یا واگرایی) است. شبکه‌ای از تفسیرهای پراکنده و در مقیاس کوچک، به تدریج به معنادار شدن داده‌ها در قالب هیئتی کلان، منسجم و به هم فشرده تبدیل می‌شود و انگیزه‌هایی برای تفکر نقادانه را نیز فراهم می‌آورد. سپس، الگویابی انجام می‌گیرد. مقصود از الگویابی پیگیری خلاقانه فرآیند مقایسه، چینش و تلاقی مجدد داده‌ها در مرحله تحلیلی پیش است. اتصال کامل‌تر میان مقوله‌ها به شکل شبکه‌ای متراکم‌تر از نسبت‌ها دنبال خواهد شد. به عبارت دیگر، یک زنجیره از اعمال به زنجیره دیگر گره می‌خورد.

۴. یافته‌های اکتشافی

در این بخش، الگویابی و معناکاوی نگرش‌ها درباره مسائل مربوط به نظارت، محدودیت و کنترل والدین به تفکیک اظهارات نوجوانان و والدین ارائه می‌شود.

جدول ۵: محور یافته‌ها به تفکیک روایت‌ها و اظهارات فرزندان نوجوان و والدین

سنخ‌شناسی محدودیت‌ها و قواعد کنترلی: اقتضایی، عمومی و سلبی	اظهارات فرزندان نوجوان
نظارت‌گریزان، نظارت‌ستیزان، نظارت‌طلبان، نظارت‌پذیران	
پدیده رمز عبور: پیدایش قلمرو شخصی و قدرت کنترل	
قواعد خرید فتاوری: استراتژی چانه‌زنی	

کنترل‌های پیشگیرانه، استراتژی‌های تأخیری والدین، محدودیت‌های سلبی، اقتضایی و کلی	اظهارات والدین
جلوگیری از فضای دوقطبی و کنترل‌های پلیس‌مآبانه، تعادل میان محرومیت و برخورداری: مسئله کنترل‌گریز شدن فرزندان	
منافع مشترک نوجوانان، ترندهای کنترل‌گریزی، تبانی و دسیسه علیه والدین، بازی باخت - باخت	
فرآیند خرید فناوری: فایده - هزینه، پدیده باج دادن	
استراتژی‌های احساسی و غیراحساسی فرزند، اکتان‌سازی والدین، نمایش خشونت و استبداد رأی	

۴.۱. اظهارات فرزندان نوجوان

۴.۱.۱. سنخ‌شناسی محدودیت‌ها و قواعد کنترلی: اقتضایی، عمومی و سلبی

بر طبق اظهارات، نظارت والدین شامل محدودیت‌ها و وضع قواعد کلی است. محدودیت‌ها می‌تواند از قدرت فرزندان جلوگیری کند یا به ظهور شکل جدیدی از توانایی و قدرت در فرزندان بینجامد. فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید نقش تزاحم یا تسهیل‌کنندگی برای نظارت را پیش می‌کشاند. بخش عمده نگرانی والدین از میان فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید مربوط به تلفن همراه و کنسول‌های بازی است.

چند گروه از نوجوانان در بحث از نظارت و محدودیت‌های والدین شناسایی پذیرند: اول، گروهی هستند که قائل به مراعات و خود - کنترلی‌اند. والدین نیز به آنها اعتنا کرده‌اند. دوم، گروهی هستند که نیازمند کنترل‌های جزئی یا پراکنده و هر از چند گاهی‌اند. سوم، گروهی هستند که باید تحت کنترل‌های مکرر والدین باشند.

محدودیت‌ها شامل موارد اقتضایی، عمومی و سلبی است. رسیدن نوجوان به سن خاصی برای اجازه داشتن تلفن همراه و همچنین، محدودیت‌های زمان امتحانات مدرسه نمونه‌هایی از محدودیت اقتضایی است. تذکر نسبت به کم بازی کردن، مشخص کردن مدت زمان استفاده روزانه، مشخص کردن ایام خاصی از هفته، داشتن گوشی مشترک با والدین، کنترل‌های روزانه یا پنهانی از جمله موارد نظارت‌ها و محدودیت‌های عمومی است. والدین قواعد پیشگیرانه‌ای را نیز وضع کرده‌اند. قرار دادن میز رایانه در حال خانه، آموزش نکات اخلاقی یا امنیتی یا گفت‌وگو از جمله آن قواعدند.

«من اصلاً گوشی پدرم برام نمی‌گیره، می‌گه تا سن ۱۸ سالگی برات می‌گیرم...»

پدرم آخه معتقدده میگه شاید اصلاً جنبه استفاده کردن از شو نداشته باشی.» (پسر، منطقه ۶)

«از تابستون تا الان دارم بازی می‌کنم، فکر کنم یه چند هفته دیگه این ایکس باکس و اینا رو جمع کنن. جمع می‌کنن، بعد عید دوباره می‌ذارن بازی کنم یا تابستون مثلاً.» (پسر، منطقه ۳)

«مثلاً میز کامپیوتر رو گذاشتن تو هال که مثلاً قشنگ به من چیز داشته باشن... مثلاً موبایلو، مثلاً زیاد نمی‌ذارن مثلاً اینترنتش روشن باشه.» (پسر، منطقه ۳)

«یه جورایی حالت جنگ اول به از صلح آخره... گفتن مثلاً یه سری فضاها حالت «فیک» داره، حالتای «اسپیم»ی که وجود داره، یه سری هم از فضاها مشکل اخلاقی و ایناست، یه جور باشه که کلاهمون تو هم دیگه نره. دیگه همون هم داریم رعایت می‌کنیم، با هم جنگ که نداریم.» (پسر، منطقه ۳)

محدودیت‌های سلبی برای تمامی نوجوانان به کار گرفته نمی‌شود. محدودیت‌های سلبی عمدتاً زمانی مطرح می‌شوند که نوعی کشمکش میان والدین و فرزندان نوجوان در خانه وجود داشته باشد، یا اینکه فرزند کاری را انجام داده باشد که مستحق محدودیت سلبی است. مثلاً جمع کردن وسایل، اجبار به حذف کردن برخی برنامه‌ها، جمع کردن قطعاتی از رایانه (مانند صفحه کیبورد)، به همراه بردن وسایل به محل کار یا پنهان کردن وسایل از آن جمله‌اند. البته برخی از محدودیت‌های سلبی، خصلت پیشگیرانه نیز دارد. به‌عنوان مثال، راه‌اندازی نکردن اینترنت خانگی از این نوع است. محدودیت‌های سلبی اساساً مبتنی بر محرومیت، مقاومت، غافل‌گیری، تهدید یا متوسل شدن به زور و دعواست. برخی از نوجوانان تهدید شدن به آسیب دیدن وسایل‌شان را گزارش کرده‌اند و از خانه‌شان با عنوان «پادگان» یاد کرده‌اند.

یکی از تفاوت‌ها میان دختران و پسران نوجوان درباره محدودیت‌های والدین‌شان، به مسئله نگرانی پدر و مادر از محتوای پیام‌ها و مکالمات فرزند دختر در تلفن همراه مربوط می‌شود. دختران احساس فشار بیشتری را از ناحیه والدین اظهار کرده و خود را مستقیماً تحت کنترل آنها دانسته‌اند. این موضوع در برخی موارد، شک و تردیدها و در مواقعی نیز، تهدید و دعوا را به همراه داشته است. پس، فناوری تلفن همراه هوشمند، کنترل گریزتر از سایر وسایل و موضوعی جدی‌تر برای نظارت والدین است. البته این موضوع به معنای آزادی بیشتر تلفن همراه برای پسران نیست.

«توی گوشیم هم توی تلگرام زیاد «چک» میشه، معمولاً آنلاین بودم، خوب، بابام دعوام می‌کنه، میگه، چیزی داره، نه، حالا من که کار خودمو می‌کنم، ولی خوب... مامانم که خیلی وقتاً میگه می‌گیرم از تا... خیلی تهدید خوبی هم هست.» (دختر، منطقه ۶)

«تا سال هفتم، شیشم، اینا حدوداً، مثلاً مادرم «کیبورد» رو برا کامپیوتر، اون موقع که لپ‌تاپ نداشتم، مثلاً «کیبورد» رو جمع می‌کرد یا اینکه مثلاً دیگه تا همین حتی پارسال هم نهم اینا، بعضی وقتاً مثلاً دیگه زیاد می‌شد، حتی لپ‌تاپ و گوشی رو هم جمع می‌کردن، ولی امسال دیگه زیاد کاری ندارن.» (پسر، منطقه ۶)

«خودشون یه جوری گیر میدن یا اینکه اصلاً خودشون گم و گورش می‌کنن.» (پسر، منطقه ۱۱)

۴.۱.۲. نظارت‌گریزان، نظارت‌ستیزان، نظارت‌طلبان، نظارت‌پذیران

واکنش‌های فرزندان در قبال محدودیت‌ها مختلف است: «پذیرش داوطلبانه»، «پذیرش از روی اجبار»، «بی‌اعتنایی»، «مقاومت کردن»، «استراتژی‌های دور زدن قواعد»، «مقابله به‌مثل کردن»، «استراتژی نفوذ». به‌عنوان مثال، بیشتر درس خواندن نه با هدف موفقیت درسی، بلکه با هدف کسب رضایت والدین در لغو یا تعدیل یک محدودیت، نوعی استراتژی نفوذ است. قانع کردن والدین نیز می‌تواند نوعی نفوذپذیری تلقی شود. همچنین، پنهان کردن لوازم شخصی والدین برای تحت فشار قرار دادن آنها نوعی استراتژی مقابله به‌مثل محسوب می‌شود.

پذیرش قواعد نظارتی والدین به‌دلایل متعددی صورت می‌گیرد. نگرانی از ضعف درس، باور به مصلحت‌اندیشی والدین، قانع شدن یا تجربه منفی از تبعات مصرف بیش از حد فناوری‌ها از جمله آن دلایل است. دوری از وسایل ممکن است اشتیاق فرزندان را به استفاده بیشتر کند؛ یعنی آنها حریص‌تر بشوند. در نقطه مقابل، امکان دلسرد شدن از فناوری به‌وجود آید. عده‌ای را نیز عصبانی و پرخاشگر می‌کند.

تعدادی از نوجوانان فقدان محدودیت در خانه‌شان را مطرح کرده‌اند. اعتماد، بلوغ فکری نوجوان و مدیریت شخصی برخی از دلایلند. به این منظور که تنوع در نمونه‌های مصاحبه پدید آید، با تعدادی از نوجوانان در رشته فنی و الکترونیک نیز مصاحبه شد. آنها معتقد بودند دلیل فقدان محدودیت، درک والدین از ماهیت رشته و کار ماست. همچنین، یکی از نوجوانان بی‌تدبیری والدین شاغل خود را دلیلی برای نبود محدودیت مطرح کرد.

این نمونه استثنایی و افراطی نشان می‌دهد که دسته‌بندی دیگری از نوجوانان می‌توان ارائه داد: «نظارت‌گریزان»، «نظارت‌ستیزان»، «نظارت‌طلبان» و «نظارت‌پذیران».

«متأسفانه زمانی که من و برادرم خونه‌ایم، اکثر روزای هفته، اکثرش مادر، [اصلاح] مادرمونم کار می‌کنه، خواهرمونم دانشگاه میره، واسه همین اکثر اوقات تنها هستیم، بعد، این محدودیت خوب، نیستش دیگه، نمی‌تونن نظارت داشته باشن که واقعاً اینم یه جورایی واسه من و برادرم بد هم شده، چون مثلاً حواس مون نیست... کسی رومون نظارت نداره.» (پسر، منطقه ۱۱)

«اصلاً درس نمی‌خونم، دیروز گرفتن، الان مجبورم، وقتی که بنویسم، تازه شاید با التماس بتونم بگیرم، به خاطر همین مجبورم بنویسم، وگرنه نمی‌نوشتیم.» (پسر، منطقه ۱۱)

«من خودم اون طوری نیستش که بیام سوء استفاده کنم از اعتماد مامانم یا بابام یا اینکه گوشو مثللاً پنهان کنم جایی مثلاً یا هر چیز دیگه‌ای... ناراحت میشم، اما می‌دونم که به خاطر خودم این کارو می‌کنن.» (دختر، منطقه ۳)

«هیچ وسیله‌ای در دسترسم نیست... یه‌جا دیگه جبران می‌کنم... یعنی یه کاری می‌کنم... پیشمون [بشن]... بابام مثلاً یه کاری با من داره، میگم خودت باید انجام بدی... بابام میگه وسیله من کو، این کجاست، میگم به من چه، بهش میگم، میگم... در صورتی که با من خوب رفتار کنن، منم باهاشون خوب رفتار می‌کنم، بهشون گفتم، در صورتی که شما بهم، به من قابلیتو اینا بدین، منم بهتون قابلیت میدم.» (پسر، منطقه ۶)

۴.۱.۳. پدیده رمز عبور: پیدایش قلمرو شخصی و قدرت کنترل

مسئله رمز عبور برای تلفن همراه، تبلت، رایانه شخصی یا لپ‌تاپ یکی از موضوعات نظارتی مهم است که با مفهوم قلمرو خصوصی و حریم شخصی گره می‌خورد. نوجوانان استراتژی‌های خاصی برای رمز عبور دارند. تغییر دوره‌ای رمز، رمز برای برخی برنامه‌های حساس یا اطلاع به والدین برای سرک‌نکشیدن از آن جمله‌اند. البته نوجوانانی هستند که رمزشان با رمز وسایل والدین مشترک است. عده‌ای از آنها رمز را شخصی می‌دانند و برخی دیگر ابایی از گفتن آن به اعضای خانواده، دوستان یا معلمان‌شان ندارند.

دلایل نداشتن رمز، مواردی از جمله بی‌اهمیت بودن، سهولت دسترسی والدین، اشتراکی بودن وسایل یا اعتماد متقابل را شامل می‌شود. دلایل وضع رمز نیز متفاوت

است. دلایل خود - خواسته شامل مسدود کردن دسترسی دیگران، جنبه‌های امنیتی، وجود کودک در اطرافیان، حساسیت و ممانعت از استفاده دیگران از حجم اینترنت، از جمله دلایل کلی شخصی است. اما برخی از دلایل مانند پیشنهاد والدین یا شرط والدین به هنگام خرید، دلایلی منتج از نظارت والدین است. یکی از نوجوانان به صراحت دلیل وضع رمز عبور را ایجاد قدرت شخصی برای خود مطرح کرد.

به هر حال، وضع رمز عبور یکی از محدودیت‌های فرزندان برای والدین محسوب می‌شود که از طریق آن راه نظارت والدین مسدود خواهد شد. رمز عبور نیز مانند قرار دادن قلمرو شخصی برای خود است و «قدرت کنترل» برای فرزندان به همراه می‌آورد. قرار دادن یا قرار ندادن رمز عبور می‌تواند در جهت کاهش یا افزایش حساسیت والدین عمل کند. البته عده‌ای از نوجوانان، نارضایتی خود از ورود بدون اجازه والدین‌شان را اظهار کردند.

«من پدر و مادرم به گوشیم دست نمی‌زنن کلاً. اگر هم بخوان دست بزنی... مثلاً میگم مثلاً تو فلان «چت» هم با فلان کس نرو، چون که مثلاً نه اینکه چیز خاصی بخوام بهش بگم، به چیز خصوصیه دیگه؟ شاید به رازی رو بهم گفته باشه.» (پسر، منطقه ۳)

«من به «پسورد» برا کامپیوترم گذاشتم، فقط محض خنده راستشو بخوایید، کسی دست نمی‌زنه... برای اینکه احساس قدرت کنم... بگم مثلاً حفاظت شده است.» (پسر، منطقه ۶)

«پدر مادرم فقط می‌دونن، چون چیزایی که مثلاً شخصی و اینا، اونا فقط می‌دونن که دیگه حالا بین خودمونه، خدا رو شکر، جوریم که با پدر مادرم خیلی... رفیقم.» (پسر، منطقه ۱۱)

«مامان بابام می‌دونن... ولی دوست ندارم وارد بشن خیلی، هیچ چیز خاصی هم ممکنه توش نباشه، ولی آدم خیلی اوقات دوست نداره حریمش، حتی اگه توش چیزی نیست، کس دیگه‌ای بهش وارد بشه.» (دختر، منطقه ۶)

۴.۱.۴. قواعد خرید فناوری: استراتژی چانه‌زنی

خریدن و تهیه فناوری‌های جدید نیز در زمره قلمرو نظارتی والدین قرار دارد که ممکن است زمینه‌ای برای همکاری، تفاهم یا اختلاف میان دو طرف باشد. اکثر نوجوانان اظهار کرده‌اند که تحقیق و بررسی اولیه درباره نوع و ویژگی‌های آن وسایل توسط آنها انجام

می‌شود و سپس، این والدین هستند که نظر نهایی را می‌دهند. محدودیت‌های والدین شامل قرار دادن سقف مالی، امتناع از خریدن، به تأخیر انداختن یا شرط گذاشتن است. عمدتاً شرط موفقیت تحصیلی (معدل) به‌عنوان شرط اصلی تلقی می‌شود. برخی دلایل انگیزشی برای خرید وسایل شامل بر خورداری سایر دوستان، پیشرفت تحصیلی یا پیش قدم شدن والدین (مثلاً به‌عنوان هدیه روز تولد) هستند.

فرزندان نیز استراتژی‌های واکنشی خود را در فرآیند خرید دنبال می‌کنند. هزینه از پس‌انداز شخصی یا درس خواندن برای جلب رضایت والدین برخی از آن موارد است. «استراتژی چانه‌زنی» نیز یکی از موارد خاص است که معطوف به تحمیل خواسته فرزند به والدین است. البته تمامی نوجوانان والدین خود را تحت فشار قرار نمی‌دهند، بلکه به مصلحت‌اندیشی آنها احترام می‌گذارند یا ملاحظه شریط مالی آنها را می‌کنند. به هر حال، بر خورداری فرزندان از وسایل یک امتیاز برای آنهاست و حتی به تقویت روابط اجتماعی آنها با گروه همالان و سرمایه اجتماعی‌شان نیز کمک می‌کند. امروزه، بخشی از مباحث و گفت‌وگوهای نوجوانان درباره انواع مدل‌های خاص یکی از ابزار، بازی‌ها یا حداقل اخبار فناوری‌های خاص است. این فناوری‌ها به کالای ضروری برای اکثر نوجوانان تبدیل شده است.

«من پیدا می‌کنم و بعد میگم این خوبه. بعد نظر می‌گیرم و بعد میرم می‌خرم. خودم

ماهیانۀ پدرم رو جمع می‌کنم و میرم می‌خرم.» (پسر، منطقه ۳)

«اول میرم با خانواده صحبت می‌کنم که اون محدودیت نقدینگی که دارن رو به من بگن و بعد با اون میرم اون «سرچ» ام رو می‌کنم، چند تا گزینه پیدا می‌کنم،

حالا وابسته به اینکه چه سیستم عاملی می‌خوام.» (پسر، منطقه ۳)

«به خودم باشه، با پدر و مادرم مشورت نمی‌کنم، چون اطلاعاتی ندارن در این زمینه و... ولی خوب، به خودم نیست... حتی مثلاً چند ماه پیش پدرم گفت می‌گیرم برات

یه گوشی، اگر مثلاً فلان اتفاق بیفته، بعد گفتم در چه حد و فلان و اینا، گفت یه

گوشی در حد خودم؛ گوشی در حد خودش هم که... یه گوشی «هوآوی» معمولی

که خوب نیست واقعاً... میگم «اس ۷»، «جی ۷» مثلاً دوست دارم داشته باشم، ولی

خوب اونا نمی‌ذارن دیگه.» (پسر، منطقه ۳)

«فقط بحث اجازه است دیگه که خودش یه پروسه هفت‌خان هس... به هر حال،

ولی واقعاً مشکله که مثلاً بهشون بگی که... توجیه بشن، بعدش اگه دیگه اجازه رو

بدن، دیگه هیچ مشکلی ندارن.» (پسر، منطقه ۳)

«به گوشی که مثلاً پارسال پیرارسال، اونم فقط به خاطر اینکه مثلاً گوشیم قدیمی شده بود و اینا، مثلاً موافقت [کردن]، ولی نه اینکه از روی خوشحالی مثلاً مثل پدر مادرای دیگه مثلاً خیلی راحت برن بخرن، مثلاً حالا با پول خودم، با پول تو جیبی خودم، مثلاً حالا مثلاً یه ذره مثلاً یه حالت... برا درس اینا هر چی بخوام، پول میدن، ولی برا این چیزا اصلاً پول [نمیدن].» (پسر، منطقه ۶)

«اگه بخوام بگیرم، پولشو خودم میدم، چون احساس می‌کنم، اگه یکی دیگه برام بگیره، یه اتفاقی براش بیوفته، همیشه سعی من اینه که آره، گرفتیم خراب شد، پس، تو نمی‌توننی نگهش داری، حالا بخوام بگیرم، سعی می‌کنم خودم بگیرمش.» (پسر، منطقه ۱۱)

«شاید یکی دو دفعه گفتم بابا می‌خری، خراب شده، میگه نه، نمی‌خرم، تازه ان‌شاءالله خراب بشه... ان‌شاءالله بسوزه.» (دختر، منطقه ۶)

«مجبورم درس بخونم، دانشگاه قبول بشم تا برام بخرن.» (دختر، منطقه ۱۱)

۴.۲. اظهارات والدین

۴.۲.۱. کنترل‌های پیشگیرانه، استراتژی‌های تأخیری والدین، محدودیت‌های سلبی، اقتضایی

و کلی

قواعد نظارتی والدین شامل کنترل‌های پیشگیرانه و محدودیت‌های سلبی، اقتضایی و کلی است. تعلیم دادن محتوا، تقویت باورهای اخلاقی و دینی، گفت‌وگو، ریل‌گذاری قواعد یا مشغول کردن فرزند به کاری دیگر از موارد پیشگیرانه محسوب می‌شود. استفاده از فناوری‌ها در تابستان، ممنوعیت در مسافرت یا شرط سنی نیز برخی از مهم‌ترین محدودیت‌های اقتضایی است. محدودیت‌های کلی شامل قرار دادن رایانه در حال، دسترسی به اینترنت از طریق تلفن همراه والدین، وضع ساعات استفاده، روزهای مشخص یا پرسیدن رمز عبور است. والدین آگاه‌تر نسبت به فناوری‌ها از طریق قرار دادن سیم‌کارت موزی در تلفن همراه خود، پیام‌های فرزند در تلفن همراهش را کنترل می‌کنند. این موضوع مصداقی از «کنترل از راه دور» است.

«من همش باهانش هی گفتگو می‌کنم دیگه، باید تو مدیریت کنی... چون خودم تو یه خانواده خیلی آزادی بزرگ شدم،... من راهنمایی‌ها رو همه بهش میدما،

چون بهش میگم «محمد مهدی» وظیفه پدر مادر اینه که راهنماییت کنن و اینکه شما دوست داری گوش کنی و گوش نکنی، دیگه راه زندگیته که داری خودت.» (مادر، منطقه ۶)

«من به این معتقدم که نظارت یه جنبه فشار می‌آره، یه جنبه نهی می‌آره، بعدم ذات بشرم این جوریه که از هر چی نهیش می‌کنی، بیشتر... طمع پیدا می‌کنه.» (پدر، منطقه ۱۱)

«مثلاً کامپیوترو تو هال گذاشته بودم که من ببینم مثلاً چه خبره، چه اتفاقی می‌گذره، حالا بچه، پسر من هر چقدر اصرار می‌کرد مثلاً کامپیوترو ببریم اتاق اون.» (مادر، منطقه ۶)

«من یه خط موازی دارم که می‌تونم در واقع روی موبایل خودم کنترل بکنم که این چی کار می‌کنه... من آوردم در واقع اینجا هم تعریفش کردم، الان من هر اتفاقی برای اون بیوفته... حتی حرفاشونم در واقع اینجا من دارم می‌بینم.» (پدر، منطقه ۶)

تعدادی از والدین حق استفاده از فناوری توسط فرزندشان را مشروط به انجام کاری خاص می‌کنند. به عنوان مثال، در صورت انجام تکالیف درسی حق استفاده صادر می‌شود. به تعویق انداختن خواسته‌ها یک «استراتژی تأخیری» محسوب می‌شود. محدودیت‌های سلبی نیز طیف گسترده‌ای دارد. وضع فیلتر در اینترنت، پنهان کردن فناوری‌ها، جدا کردن برخی قطعات از فناوری‌ها یا ممانعت از نصب برخی بازی‌ها (مانند «کلش آو کلنز») برخی از آن موارد سلبی است. در موارد حادثه‌تر، مقاومت کردن و واکنش‌های تند رفتاری شکل می‌گیرد که ممکن است به مشاجره منجر شود.

«ما از همون اول... مقاومت کردیم، گفتیم فعلاً ان شاء الله هر وقت دانشجو شدی، به دانشگاه راه پیدا کردی، اون موقع بهت موبایل می‌دیم... ولی می‌دونیم که تا اون موقع... نمی‌تونم دوام بدارم، چون فشار به شدت زیاده... کاملاً قطع نیس دسترسش، مثلاً شبها که خودم خونه‌ام، یه ساعتی، نیم ساعتی در اختیارش می‌ذارم.» (پدر، منطقه ۳)

«محدودیت که همون نخریدنش بود... تا اینکه خریدم دیگه... «موس» رو و می‌داشتم، می‌آوردم اداره... گفتیم که ابزار ورودیاشو بگیرم، «کیبورد» و «موس» رو و می‌داشتم، بعضی موقعا اینا رو قایمش می‌کردم... مثلاً یه چند بار گوشیشو مثلاً به یه شکلی رمزشو گرفتیم.» (پدر، منطقه ۱۱)

«کشته من رو میگه این «کلش» رو...، گفتم اصلاً من اینو برات نصب نمی‌کنم، اگه اینو خواستی برات نصب کنم، من دیگه بابای تو نیستم، برو با اون زندگی کن.»
(پدر، منطقه ۱۱)

۴.۲.۲. جلوگیری از فضای دوقطبی و کنترل‌های پلیس‌مآبانه، تعادل میان محرومیت و برخورداری: مسئله کنترل‌گریز شدن فرزندان

بسیاری از والدین بر این باورند که خصوصیات تربیتی خانواده و شخصیت فرزند ملاک‌های مهمی برای تنظیم درجه کنترل و نظارت آنهاست. بی‌علاقگی فرزند به فناوری یا خودکنترلی او نیز می‌تواند به سود والدین باشد. یکی از موضوعات مهم در اظهارات والدین به ملاحظات و دقت‌هایی مربوط می‌شود که همواره برای کنترل یا نظارت باید در نظر گرفته شوند. جلوگیری از ایجاد «فضای دوقطبی» بین آنها با فرزند، پرهیز از کنترل‌های غافل‌گیرانه، «تعادل میان محرومیت و برخورداری»، پرهیز از «کنترل‌های پلیس‌مآبانه» و احترام به حریم خصوصی فرزند از کلیدی‌ترین آن ملاحظات است. بسیاری از والدین نهی بیشتر را عامل حریص‌تر شدن فرزند تلقی کرده‌اند.

«بهویی ما... تو ۱۵ سالگی بگیریم خوب، حالا می‌خوام برات کلاس بذارم... نتیجه نداده، باعث اصلاً دعوا شده، اینکه تو چرا برا من کلاس بذاری، من برا تو کلاس می‌ذارم، اینجا؛ یعنی یه دوقطبی شده، اون دوقطبی به وجود آمده... ما نمی‌گیم این کارو بکن، نکن، محتوا رو می‌آییم براشون توضیح می‌دیم.» (پدر، منطقه ۳)
«این کنترل‌ها بهتر است بیشتر زیربنایی، آموزشی، فرهنگی، تربیتی باشه تا اینکه مثلاً بچه احساس کنه مثلاً من مثل پلیس این‌جوری پیام جاسوسی کنم یا مثلاً دزدکی نگاه کنم، اینا خیلی کارساز نیست به نظر من.» (مادر، منطقه ۶)
«به اون حریم هی بری سر بکشی و این‌ها، این خودش آسیب‌زاست؛ یعنی یه‌جوری باز یه مشکلات دیگری ایجاد می‌کنه... یعنی این اختلافات بیشتر میشه و بعد هم فاصله بیشتر میشه... سعی کردیم یه تعادلی بین اینها...، نه خیلی احساس محرومیت بکنه و نه خیلی باز باشه.» (پدر، منطقه ۳)

ورود فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، حوزه نظارتی و کنترلی والدین را در موارد متعددی به چالش کشیده است؛ به طوری که اکثر والدین شرایط خود را وضعی تضعیف‌شده می‌بینند. ناممکن بودن نظارت بر فرزند بیرون از خانه، تهیه کردن خودسرانه فناوری توسط فرزند، استفاده‌های پنهانی بیرون از خانه و دستیابی فرزند به مطالب

تلفن همراه مشترک با والدین، بعضی از این چالش‌هاست. مورد اخیر دلالت بر تهدید شدن حریم خصوصی والدین نیز دارد. در مجموع، مسئله «کنترل‌گریز شدن» نوجوانان با «کنترل‌گریز بودن» آنها متفاوت است. به‌عنوان مثال، یکی از انگیزه‌های نوجوانان، ارتباط با جنس مخالف از طریق تلفن همراه است که والدین دارای فرزند پسر به آن اشاره کرده‌اند. در معرض تهدید جانی یا سرقت مالی قرار گرفتن نیز از پیامدهای ناخواسته فناوری‌های جدید (به‌ویژه تلفن همراه) برای نوجوانانی است که در بیرون از خانه سرگرم با آن هستند.

«دو تا فرزند من می‌دونن که من رو کامپیوتر خیلی وارد نیستم، شاید، شاید بخوان از این عدم توانایی من یا عدم تسلط من بفرمایید مثلاً بخوان سوء استفاده‌ای مثلاً بکنن.» (پدر، منطقه ۳)

«معمولاً خریدن، بعد من رو مطلع می‌کنن... می‌گه من اینو خریدم، والسلام... من تسلیم شدم.» (پدر، منطقه ۶)

«پدر و مادر اگر بخواد نظارت بر این فرآیند که خیلی هم ماهیت تکنولوژیک داره و به‌روز هم میشه، داشته باشه، خودشو اول باید به‌روز کنه... بالاخره یه جورایی اینها تلاقی پیدا می‌کنه، تزاخم پیدا می‌کنه با حریم خصوصی، بالاخره هم هست خصوصیه، هم واقعاً شما نگرانی که این چه حریمیه که می‌تونه این همه آسیب‌زا باشه، مجبوری گاهی وقتا این حریمو نقض بکنی... خوب، اگر متوجه بشه، پیامد سوئی داره، به هر حال بی‌اعتمادی رو ایجاد می‌کنه، اگر رها کنی، خودت نگرانی، بالاخره بچه است.» (پدر، منطقه ۳)

۴.۲.۳. منافع مشترک نوجوانان، ترفندهای کنترل‌گریزی، تبانی و دسیسه علیه والدین، بازی

باخت - باخت

گروه همالان به‌عنوان یکی از مشوقین و تحریک‌کنندگان فرزندان، مزاحمت‌ها یا اختلالاتی را در کنترل و نظارت والدین به‌وجود می‌آورند. البته این مزاحمت می‌تواند به توصیه آنها (عمدی) یا به‌طور ناخواسته (سهوی) باشد. به‌عنوان مثال، تعدادی از والدین نافرمانی فرزند خود را به‌دلیل توصیه و تحریک دوستانش گزارش کرده‌اند. پس، استفاده و برخورداری از فناوری‌های جدید «منافع مشترکی» برای اکثر نوجوانان است که بالتبع، راهکارهایی برای تحت فشار قرار دادن والدین خواهد بود. این واقعیت نوعی «تبانی و دسیسه» علیه والدین است.

«چه قدر من می‌تونم روی این نظارت داشته باشم، الان این گوشی رو می‌بره مدرسه، با دوستاش دائم در ارتباطه، حالا ممکنه از یه جاییم «وای‌فای» رایگان گیر بیاره و یه تلگرامی و یه اینترنتی و یه «سرچ»ی.» (مادر، منطقه ۶)

«شما نمی‌تونی اصلاً در واقع محدودیت بدی، این دنیا اصولاً یه جوریه... اونا چون که جلوتر از ما هستن... اینکه من چیز نکنم، اون میره نمی‌دونم از وسایل دوستش استفاده می‌کنه.» (پدر، منطقه ۶)

دلایل دیگری غیر از گروه دوستان برای ایجاد چالش‌ها نیز وجود دارد. به‌روز نبودن مهارت فناوریانه والدین، نداشتن زمان و توان کافی برای کنترل تمام برنامه‌ها، فقدان نظام آموزش برای والدین و آگاهی فرزند از «ترفندهای کنترل‌گریزی» سایر دلایل را تشکیل می‌دهند. در اظهارات بعضی از والدین، آموزش‌های متفاوت مدرسه نیز یک ابهام برای والدین و فرزندشان تلقی شده است؛ یعنی مدرسه از فرزندان فعالیت‌هایی را می‌خواهد که والدین آن فعالیت‌ها را زمینه‌رخنه در قلمرو نظارتی‌شان می‌پندارند. به‌عنوان مثال از یک‌سو، مدارس تکالیفی درسی به نوجوانان واگذار می‌کند که لازمه آن دسترسی آنان به اینترنت است؛ از سوی دیگر، والدین دسترسی فرزندشان به اینترنت را زمینه‌ای برای سرک کشیدن او به فضاهایی دیگر تلقی می‌کنند.

«گاهی وقتا تو اینترنت «سرچ» می‌کنم در مورد بعضی از بازی یا مثلاً گویش‌های بین خودشون می‌فهمم که خوب، مثلاً ممکنه صحنه‌هایی، حرف‌هایی، چیزایی تو این فیلم‌ها و بازی‌ها باشه که ما خبر نداریم ازش، ولی واقعاً روی نگرش‌ها، روی ایده‌ها و باورهای بچه‌ها می‌تونه تأثیر بذاره... من نمی‌تونم از ابتدا تا پایان هر بازی که این بچه... بشینم پاش، تعدادش آخه نه یکیه، نه دو تاست، نه من واقعاً اون قدر وقت و انرژی دارم.» (مادر، منطقه ۱۱)

«من میگم اینترنت نه، اصلاً نظارتو از بین برده، به‌خاطر اینکه بچه‌ها آموزش ندیدن... من تنها نمی‌تونم. من زمانی که با پسر صحت می‌کنم، میگه نه مامان تو دبیرستان ما دبیر ما این جوری میگه، تو نسل قدیمی و متوجه نمیشی من چی میگم.» (مادر، منطقه ۶)

نتیجه اکثر چالش‌های مذکور، سردرگمی والدین، سوء استفاده فرزند از فضای ابهام‌آلود، عدم حصول توفیق در برخی محدودیت‌ها و بیشتر شدن فاصله میان والدین و فرزند است. البته والدینی هم هستند که کلاس‌های آموزشی مدارس برای ایشان در

زمینه فناوری‌ها و فضای مجازی را مثبت و مفید ارزیابی کرده‌اند. به هر حال، آن‌طور که از بیشتر صحبت‌های والدین قابل برداشت است، در عرصه فناوری‌های جدید، عمدتاً والدین یک گام از فرزندشان عقب‌اند. شاید برای بعضی از والدین یک «بازی-بخت» محسوب شود.

«اتفاقاً مدرسه پسر من خیلی مدرسه خوبی بود، مثلاً فرض کنید به ما، یه مهندسی بود... کلاس گذاشته بود برای مادرها که ما هم آشنا بشیم با کامپیوتر هم بدونیم چه جور می‌تونیم «سرچ» کنیم، ببینیم که بچه‌مون کجاها رفته و چه چیزایی رو دیده.» (مادر، منطقه ۶)

«من زمانی که هیچ چیزی خودم بلد نیستم، بچه بلده، من چی جوری می‌تونم، اون راهکار فرارشو بیشتر بلده تا من... تو ایران فرهنگ‌سازی نشده.» (پدر، منطقه ۱۱)

«محدودیت می‌خوایم بذاریم، ولی موفق نمیشیم... کاری از دست پدر مادر... بر نمیاد.» (پدر، منطقه ۳)

۴.۲.۴. فرآیند خرید فناوری: فایده - هزینه، پدیده باج دادن

خرید فناوری‌های جدید برای فرزندان نیز یکی از موضوعات مهم مرتبط با حوزه نظارتی و کنترلی آنهاست. جلوگیری از احساس محرومیت یا شرمندگی، نقش دوستان، جلوگیری از احساسی تصمیم گرفتن فرزند برای خرید و تسلیم شدن در برابر فشارهای او از دلایل خرید فناوری توسط والدین است. یکی از والدین خریدن کنسول بازی را یک «باج» دادن به فرزند توصیف کرد تا بتواند از خریدن تلفن همراه پیشگیری کند. پس، تصمیم کنشگران دخیل در موضوع، برآمده از محاسباتی از فایده - هزینه، داده - ستانده یا سود - زیان است. موانعی نیز در میدان تصمیم‌گیری وجود دارد. مسئله مالی یکی از مهم‌ترین آنهاست. یکی از والدین خود را ناگزیر از اخذ وام برای تهیه یکی از فناوری‌ها می‌دانست. البته والدین نیز استراتژی‌هایی برای امتناع از خرید دارند. به‌عنوان مثال، گذاشتن شرطی سخت و دست نیافتنی برای فرزند یکی از آن موارد است. سایر استراتژی‌های تأخیری شامل گذاشتن شرط موفقیت تحصیلی، وادار کردن فرزند به پس‌انداز پول و شرط انجام مناسک دینی (نماز اول وقت) اظهار شده است.

«[تبدیل] «پلی‌استیشن» به «ایکس باکس» که به‌شدت من مخالف بودم... من دیدم باید این باج رو اینجا حداقل بدم، اگر جلوی موبایل دارم مقاومت می‌کنم.» (پدر، منطقه ۳)

«اصلاً اینا مدت‌ها میرن «سرچ» می‌کنن، بهترین مدل با قیمت، اینا همه رو در می‌آرن... بعد می‌آن به ما میگن که این هست با این قیمت، این هست با این قیمت... این قسطی می‌ده، این یکی نقد می‌ده، حالا شما کدومشو می‌تونید بخرید.» (مادر، منطقه ۳)

«میگن بخر، ما هم حالا گفتیم شاید به هر حال بتونیم یه وامی جفت‌وجور کنیم یا یه‌جا یکی پیدا کنیم به‌صورت اقساط باشه، می‌خرم براتون تابستون.» (پدر، منطقه ۶)

«باهش شرط بستم که اگر دانش‌آموز ممتاز باشه، برایش می‌خرم، وقتی هم شد، برایش خریدم.» (پدر، منطقه ۱۱)

جذابیت کنسول‌های بازی یکی از ویژگی‌هایی است که نه‌تنها نوجوانان، بلکه والدین را نیز به خود مشغول می‌سازد. تعدادی از والدین همراهی با فرزندشان در بازی کردن را اظهار کردند. این همراهی می‌تواند به فرزند این واقعیت را تفهیم کند که والدین به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم محتوای فعالیت‌های آنها را زیر نظر دارند. البته برخی از والدین برای تحریک نشدن خود به بازی، از تهیه آن وسیله خودداری می‌کنند.

«[می‌گفت] «پلی‌استیشن» بگیر، گفتم اینا حالا وقتش نیست، چون من اگه اینا رو بیارم تو خونه، دیگه خودم باید بشینم فوتبال هم بازی کنم، دیگه هیچی دیگه.» (پدر، منطقه ۱۱)

۴.۲.۵. استراتژی‌های احساسی و غیراحساسی فرزند، اقناع والدین، نمایش خشونت و استبداد رأی سهم والدین و فرزند در خرید یک فناوری مانند تلفن همراه مختلف است. طیفی از نظر قطعی و احتمالی والدین تا خرید خودسرانه فرزند وجود دارد. البته در بسیاری موارد فرزند ملاحظه شرایط مالی والدین را می‌کنند و متوقعانه برخورد نمی‌کنند. تعدادی از والدین معتقدند به‌موازات افزایش سن فرزند نوجوان، استقلال رأی او در فرآیند خرید افزایش می‌یابد.

فرزند نوجوان نیز استراتژی‌ها یا واکنش‌های خاص خود را برای رسیدن یا نرسیدن به خواسته خود دارند. این استراتژی‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. استراتژی‌های احساسی و ۲. استراتژی‌های غیراحساسی. دسته اول شامل گریه کردن نمایشی، ابراز احساسات نمایشی یا نفوذ در مادر خانواده است. آنها در برخی موارد مادر خود را واسطی برای نفوذ در رأی پدر می‌دانند. دسته دوم شامل ادعای بچگانه بودن مدل‌های پایین،

ارجاع دادن به برخورداری دوستان‌شان، هزینه از پس‌انداز شخصی و متقاعد کردن والدین است. مواردی حاد و افراطی نیز وجود دارد. تخریب پنهانی مدل فعلی برای واداشتن والدین به خرید مدل بهتر، تهیه خودسرانه و استفاده پنهانی یا تهدید ملایم والدین از آن جمله‌اند که علائمی از «نمایش خشونت» و «استبداد رأی» هستند. آنچه مسلم است، دیگر اقناع کردن، ابزاری انحصاری در دست والدین نیست و در برخی موارد، فرزندان راهکارهایی را پیش می‌گیرند که به اقناع شدن والدین منتج شود. شیوه‌های اقناع، برای فرزندان نوجوان مشتمل بر ترفندها، نفوذ، احساساتی کردن فضا، استدلال یا ورود از مسیرهای میان‌بر است.

«سر این تبلت یه خرده آره، عید هی اشک ریخت و فلان و... مادرش می‌گفت حالا براش بگیر و فلان، آره، اونم زور شد، ما رفتیم براش گرفتیم... می‌گفت پول از خودمه و عیدی از خودمه.» (پدر، منطقه ۳)

«اون محدودیت‌ها باعث شده بود که این [پسر] بره یواشکی این کارو کنه و بعضاً فضا هم داشت، خوب... من می‌گفتم نداشته باش این وسیله رو، بعد، پدرشم مخالفت می‌کردن، بعد این یواشکی می‌رفت از یه جایی استفاده می‌کرد و اینا.» (مادر، منطقه ۶)

«مثلاً من رو ترغیب می‌کردن که من باباشونم راضی کنم، از طرفی به باباشونم... بابا بچه‌های دیگه، مثلاً دوستم فلانی، «احسان»، می‌دونن چی خریده، مثلاً تبلت فلان چیز خریده، نمی‌دونم چی، شما چی، برا من کی، مثلاً یه دونه چند سال پیش یه کامپیوتر خریدین.» (مادر، منطقه ۶)

«یه گولی خوردیم ما... یه گوشی معمولی داشت، این آقا، مثلاً این به ترفندای مختلف گوشیو خراب کرده بود، گفت بابا این هزینش اصلاً نمی‌ارزه بریم هزینه کنیم، بیا بریم یه گوشی بگیریم.» (پدر، منطقه ۱۱)

۵. بحث و نتیجه

در بازگشت به سؤال اساسی مقاله و در پرتو بینش نظری اتخاذ شده، مهم‌ترین محورهای اکتشافی بحث و نتایج حاصل از آن به اختصار شامل موارد زیر هستند.

۱. ناهمسانی نسلی در تجربه و درک فناوری دارای ملاحظات زیر است:

- * محافظه‌کارانه‌تر بودن نسل قدیمی؛ پذیرا‌تر بودن و هم‌نوایی بیشتر نسل جدید نسبت به تغییرات جامعه
- * وجود نوعی بیگانگی برای برخی از والدین نسبت به کارکردهای اجتماعی، سرگرمی، آموزشی یا مهارتی فناوری‌های جدید
- * انتظار والدین بر طبق رویه سابق: «دم‌دست» و «در معرض دید» قرار داشتن فرزند؛ جدا بودن فضای مجازی از مکان فیزیکی
- * نگرانی والدین نسبت به فاصله‌گیری فرزندان از نقش‌های اصلی در زندگی اجتماعی (جابه‌جایی در اولویت نیازها)
- * فرزندان نوجوان عمدتاً در پی استفاده‌هایی مبتنی بر لذت، سرگرمی، تفریح، وقت‌گذرانی یا حتی رفع خستگی در زمان استراحت؛ والدین به دنبال استفاده‌های هدفمند و محتواگرایانه (سودمند و کارکردی آشکار)
۲. پیدایش دو معضل قابل تأمل است:
- * پدیده ظهور فرزندان سلطه‌جو (با شخصیتی اقتدارطلب)
- * والدین بی‌توجه دارای بچه‌های لطمه‌دیده از فناوری‌ها؛ نوعی از ناوالدگری یا والدگری نامناسب؛ اهمال والدین
۳. همراه نبودن قدرت فرزند نوجوان با رضایت طرف مقابل (والدین) در شبکه روابط قدرت مهم است. به عبارت دیگر، مشروع تلقی نشدن قدرت فرزند یکی از نتایج اساسی به‌شمار می‌رود.
۴. تغییرات مهارتی و علمی در جامعه‌پذیری سبب شده است تا در کنار الگوی مرسوم «والد - به - فرزند»، الگوی جدید «فرزند - به - والد» (به‌عنوان یک شق جدید) شکل بگیرد.
۵. تولید اخلاق خانواده‌بنیان برای فناوری دارای مکانیزم ویژه‌ای است؛ به‌طوری‌که نوعی اطاعت اخلاقی از والدین و عاملی برای بازدارندگی رفتارهای بدعت‌گذارانه یا خود-شیفتگی فرزند (روحیه نظارت‌پذیری) وجود دارد:
- * تلاش والدین در جهت تعیین مجموعه‌ای از احکام به‌هنجارساز برای هدایت فرزندان؛ خانواده‌مدار یا سازگار کردن فناوری‌ها با فضای خانواده
- * مفهوم الگوی «نیاز - وابستگی» به‌معنای بازتولید کردن ایدئولوژی والد - فرزندی برای بازسازی و احیای روابط متقابل

جدول ۶: سنخ‌شناسی خانواده‌ها با توجه به ملاحظات اخلاقی درباره فناوری‌های جدید

سنخ‌شناسی خانواده	ویژگی کلی	وضعیت / استراتژی
لطمه‌دیده و مستأصل	با چالش فناوری‌های جدید مواجه‌اند. این چالش ناشی از تبعاتی است که عمدتاً والدین و بعضاً فرزندان آن را احساس می‌کنند.	نگرانی و درماندگی و ناکامی در نظارت
تدبیرگرا و مداخله‌کننده	با اتخاذ تدابیر به‌هنگارکننده و تعدیل‌کننده تلاش کرده‌اند تا فناوری‌های جدید را درونی کنند و زیر نظر داشته باشند.	نظارت مستمر و تلاش برای آگاه کردن فرزندان
پذیرا و محافظه‌کار	تغییرات خانواده را پذیرفته‌اند، اما ضرورتی برای اتخاذ عملکردی قاطعانه و خاص احساس نمی‌کنند. البته این به‌معنای بی‌تفاوتی والدین نیست.	معتقد به تفاوت نسلی غیرقابل کنترل اما قابل نظارت
مسئله‌دار و مشوش	تنش و مشاجره بر سر فناوری‌ها میان والدین و فرزند در جریان است. گاهی والدین و گاهی فرزند پیروز میدان است.	ناآرامی و بی‌اعتمادی و نظارت‌های سلبی
در حاشیه و پیرامونی	هم والدین و هم فرزندان کمتر به فناوری‌های جدید علاقه وافر و سرشار نشان داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که علی‌رغم استفاده از آن وسایل، وابستگی خاصی ملاحظه نمی‌شود.	آرامش و نظارت‌های اندک

۶. چند توصیه راهبردی برای حمایت از خانواده‌ها:

- * یادگیری مهارت‌های فناورانه توسط والدین
- * آموزش مهارت‌های فناورانه به فرزندان
- * تأکید بر نظارت‌های پیشگیرانه و ایجابی
- * پرهیز از استراتژی تشویقی معطوف به خرید فناوری در ازای موفقیت تحصیلی
- * ارتباط‌گیری والدین با مهم‌ترین دوستان فرزند
- * متناسب‌سازی محدوده سنی فرزند با فناوری مورد نظر برای خرید
- * توصیه‌های اخلاقی والدین برای فضای مجازی
- * گرایش به نظارت‌های فناوری - محور (والدگری مجازی)
- * توجه بیشتر به اوقات فراغت بیرون - محور تا فناوری - محور
- * نظارت بر محتوای مصرف فناورانه فرزندان علاوه بر نظارت بر مدت زمان دسترسی آنها
- * هدایت مهارت فناورانه فرزند در مسیرهای مفید و مثمر
- * همفکری و همراهی والدین و فرزندان در فرآیند تصمیم به خرید تا نهای شدن آن
- * توجه فرزند نسبت به اولویت‌های زندگی توسط والدین

- * خودکنترلی والدین برای عدم اعتیادشان به فناوری‌های جدید یا فضای مجازی
- * نظارت پدر بر مادر و مادر بر پدر در مصرف فناوری‌های جدید و فضای مجازی (مثلاً حداقل یک‌بار بازی کردن در کنار آنها)
- * حذف شرایط ترغیب‌کننده فرزند به استفاده بیش از حد از فناوری‌های جدید، مثلاً تشویق فرزند به دور نگه داشتن تلفن همراه از محل مطالعه درس
- * دعوت از مشاوران و نخبگان برای هدایت کلاس‌های آموزشی
- * فراهم کردن جلسات برای انتقال تجربیات والدین به یکدیگر
- * تألیف جزوات آموزشی برای سواد فناوری والدین
- * برگزاری کلاس‌های دانش‌افزایی در زمینه فناوری‌ها و فضای مجازی در مدارس (انجمن‌های اولیا - مربیان)
- * آموزش مهارت‌های فناورانه به نوجوانان و والدین در رسانه ملی
- * ترویج فناوری‌های جدید در بستر سبک زندگی اخلاق‌محور

منابع

۱. بیات، قدسی و محمود شهابی. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاربران جوان؛ از تداوم زندگی واقعی تا تجربه جهان‌وطنی. مجلس و راهبرد. شماره ۶۹.
۲. پایش جامعه اطلاعاتی ایران. (۱۳۹۳). تهران: سازمان فناوری اطلاعات ایران.
۳. خلیلی آذر، هایده. (۱۳۹۲). شناخت ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آنها بر روابط بین فردی نوجوانان. پژوهش‌های ارتباطی. شماره ۷۵.
۴. داتن، ویلیام. (۱۳۸۴). دگرگونی‌های اجتماعی در یک جامعه اطلاعاتی. محمد توکل و ابراهیم کاظمی‌پور. تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
۵. سعدی‌پور، اسماعیل. (۱۳۹۲). بررسی اثرات اینترنت بر خانواده‌های دارای فرزند نوجوان. پژوهش‌های ارتباطی. شماره ۷۶.
۶. صادقی‌فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی روش پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. راهبرد فرهنگ. شماره ۲۹.
۷. عبداللهیان، حمید و حسین حسینی. (۱۳۹۵). شبکه‌های اجتماعی و چالش‌های آن برای نظام خانواده در ایران: مطالعه عضویت زوجین در فیس‌بوک و مسائل و پیامدهای اجتماعی بر حریم خانواده. بررسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۱.
۸. عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۶). مناسبات قدرت میان والدین و فرزندان با توجه به نقش و تأثیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICTS). رساله دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی. تهران: دانشگاه تهران.
۹. کاستلز، مانوئل و مارتین اینس. (۱۳۸۴). گفت‌وگوهای با مانوئل کاستلز. حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی. تهران: نی.
۱۰. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد‌های ۱، ۲ و ۳. احد علی‌قلیان و افشین خاک‌باز. تهران: طرح نو.
۱۱. کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۳). قدرت ارتباطات. حسین بصیریان جهرمی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نی.
۱۳. محسنی، منوچهر. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: دیدار.
۱۴. معمار، ثریا و فاطمه قربانی. (۱۳۹۲). تجارب زیسته والدین دانش‌آموزان دختر متوسطه در خصوص آسیب‌های فرهنگی اینترنت. پژوهش‌های ارتباطی. شماره ۳.
۱۵. وبستر، فرانک. (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه اطلاعات. اسماعیل قدیمی. تهران: امیرکبیر.

16. Best, S. J. B. S. & Krueger. (2006). Online Interactions & Social Capital: Distinguishing between New Existing Ties. *Social Science Computer Review*. 24(4).
17. Buckingham, D. (2008). *Youth, Identity & Digital Media*. Cambridge: MIT.
18. Castells, M.; M. Fernández-Ardèvol; J. Linchuan Qiu. & A. Sey. (2007). *Mobile Communication & Society: A Global Perspective*. US: MIT.
19. Choi, Y. S. & L. Ross. (2006). Policy & Power: The Impact of the Internet on the Younger Generation in South Korea. *Social Policy & Society*. 5(3).
20. Horst, H. A. (2008). Families. In: Mizuko, I. & et al. *Hanging Out, Messing Around, Geeking Out: Kids Living & Learning with New Media*. Boston: MIT, pp149-194.
21. Jordan, T. (2001). *Cyberpower: The Culture & Politics of Cyberspace & the Internet*. London: Routledge.
22. Kiesler, S.; B. Zdaniuk; V. Lundmark. & R. Kraut. (2000). Troubles with the Internet: The Dynamics of Help at Home. *Human-Computer Interaction*. No. 15.
23. Ling, R. (2004). *The Mobile Connection: The Cell Phone's Impact on Society*. San Francisco: Morgan Kaufman.
24. McQuail, D. (2006). *McQuail's Mass Communication Theory*. London: Sage.
25. Nood, D. & J. Attema. (2006). *Second Life: The Second Life of Virtual Reality*. Translated by S. Van Everdingen. The Netherlands: EPN Online Publications. (http://www.ecp.nl/sites/default/files/EPN_report_The_Second_Life_of_Virtual_Reality_-_2006_October.pdf).
26. Patton, M. (1990). *Qualitative Evaluation & Research Methods*. CA: Sage.
27. Watne, T. & A. Lobo & L. Brennan. (2011). Children as Agents of Secondary Socialisation for Their Parents. *Young Consumers*. 12(4).
28. Zinn, M. B. & D. S. Eitzen. (1990). *Diversity in Families*. New York: Harper & Row.
29. <https://amar.org.ir>.
30. <http://atlas.tehran.ir>.
31. <http://mis.ito.gov.ir/monitoring-information-society>.
32. <http://mis.ito.gov.ir/web/guest/fava-development>.
33. <http://mis.ito.gov.ir/web/guest/fava-development?p=tehran>.
34. <http://tmicto.tehran.ir/Portals/0/Document/Amarname/AmarShahr93/index.html>.
35. <http://www.mehrnews.com/news/3660628>.